

# حکومت وحدت ملی و معضل بیکاری

علی قادری



نخبگان سیاسی به جای منازعه بر سر قدرت و چند پست دولتی باید به مسائل بیاندیشد که منجر به سقوط حکومت شان می شود. تحصن جوانان در کابل به خاطر بیکاری اولین ممکن در ولایات دیگر نیز جوانان دست به تحصن بزند و در نهایت دامنه این اعتراض افزایش باید که حکومت قادر به کنترل آن نباشد. آن وقت دیر خواهد بود. لذا، نخبگان سیاسی از دو جناح باید در این زمینه اقدام نماید و نگذارند که وضعیت از آشفته تر و وخیم تر گردد. در آخر این نوشتار را با چند جمله محمود دولت آبادی نویسنده ایرانی به پایان می رسانم: «بی کار سفره نیست و بی سفره، عشق، بی عشق، سخن نیست و سخن که نبود فریاد و دعوا نیست، خنده و شوخی نیست؛ زبان و دل گهنگ می شود، تناس بر لب ها می بندد، روح در چهره و نگاه در چشم ها می خشکد، دست ها در بیکاری فرسوده می شوند و بیل و منگال و دستکاله و غلغله تراش در پس کندوی خالی، زیر لایه ضخیمی از غبار رخ پنهان می کند».

بیکاری باعث افزایش فشار روانی و روحی می شود. فشار روانی افراد به سمت استفاده از مواد مخدر سوق می دهد با استفاده از مواد مخدر بتوانند از فشار های روحی و روانی فرار نمایند. در نتیجه با معضل بیکاری کنونی تعداد افراد مبتلا به مواد مخدر نیز افزایش می یابد. ضروف طولانی در ریاست پاسپورت کشور نشانه ای افزایش مهاجرت و ترک کشور از سوی شهروندان را نشان می دهد. مهاجرت اگر چه بنا به دلایل مختلف صورت می گیرد اما یکی از دلایل مهاجرت کار کشور در وضعیت کنونی نبود کار است. بنابراین، انتظار نمی رود که به زودی آمار مهاجرت و ترک کشور پایین آید. تا زمانی که حکومت به صورت عملی وارد عمل نشود و برای معضل بیکاری کار ننماید، مهاجرت ها همچنان با روند تصاعدی افزایش خواهد یافت. بنابراین، پیاده های مذکور بیکاری ضرورت یک سیاست مشخص و عملاتی در راستای حل معضل بیکاری را نمایان می سازد.

دهشت افکن و مخالف مسلح دولت است. جوانان به خاطر تأمین نیاز های خود ممکن به گروه های مخالف مسلح دولت بپیوندند. تجربه خیلی از کشور ها نشان داده است که با افزایش بیکاری و عدم اشتغال گروه های مخالف مسلح دولت و دهشت افکن قوی تر شده اند. زیرا، این گروه با در دست داشتن منابع مالی توانسته است جوانان را جلب و جذب نماید. در افغانستان بستر های اجتماعی برای رشد و پرورش افراطیت و بنیادگرایی فراهم است. با این حال، در شهر های کلان کشور بستر های اجتماعی رشد بنیادگرایی تا حدودی از بین رفته است. اما بیکاری در این شهر ها زمینه و فرصت رشد و نفوذ بنیادگرایی را نیز فراهم می سازد. بنابراین، حل نشدن معضل بیکاری منجر به افزایش ناامنی و رشد گروه های بنیادگرا در شهر های کلان کشور نیز می گردد. بنسأ بر آمار های رسمی وزارت مبارزه با مواد مخدر بیش از سه میلیون شهروند افغانستان معتاد به مواد مخدر است.

بری در سرک ها و بازار؛ دزدی مسلحانه نیز در گوشه و کنار شهر کابل گزارش شده است. اشتباه است اگر بپنداریم که این افراد دزد مادر زاد بوده اند. بلکه وضعیت بد اقتصادی و ناداری و بیکاری باعث شده است که آن ها برای تأمین نیاز های خود دست به هر کاری ممکن ولی خفت بار بزنند. کاهش دزدی اما، با افزایش گشت زنی پلیس کاهش نمی یابد. کاهش آمار دزدی و دیگر انحرافات اجتماعی تنها با اشتغال زایی ممکن می گردد. بنابراین، حکومت وحدت ملی باید سیاست های مشخص در راستای کاهش بیکاری تدوین نموده و در کمترین زمان ممکن اجرا نماید. افزایش انحرافات اجتماعی باعث سلب امنیت اجتماعی شهروندان می شود. نبود امنیت اجتماعی کشور را به یک مکان غیر قابل زندگی تبدیل می کند. در شرایط کنونی می توان گفت که ما با بحران امنیت مواجه گشته ایم. نه امنیت جانی و مالی داریم و نه امنیت اجتماعی. پیامد جدی تر بیکاری تقویت گروه های

روز گذشته بهمناسبت کشته شدن برهان الدین ربانی رییس شورای عالی صلح رخصتی عمومی اعلام شده و مراسم نیز در خیسه لویه جرگه برگزار گردیده بود. چهارسال قبل، مرد انتحاری خودش را به عنوان فرد مهم گروه طالبان جا زد و آقای ربانی را کشت. از زمان آغاز به کار شورای عالی صلح و از زمان که گفتگو با گروه طالبان به عنوان یکی از اولویت های جدی دولت مطرح گردید، انتقادهای از خامی و بی فایده بودن این رویکردها مطرح شد. اما زمان که گروه طالبان به صداها و نداهای صلح طلبانه های حکومت توجه نکرد، فرمان دهان نظامی و چهره های سیاسی را یکی از پی دیگر ترور کرد تا این که نوبت به آقای ربانی رسید، انتقادها شدیدتر و جدی تر شد. باور اکثریت، غالب و مسلط بر این بود و است که چهره های رده بالای گروه طالبان به عنوان مهره های استخباراتی و اطلاعاتی امری که شخص رییس جمهور گرزوی هم که گاهی به

روز گذشته بهمناسبت کشته شدن برهان الدین ربانی رییس شورای عالی صلح رخصتی عمومی اعلام شده و مراسم نیز در خیسه لویه جرگه برگزار گردیده بود. چهارسال قبل، مرد انتحاری خودش را به عنوان فرد مهم گروه طالبان جا زد و آقای ربانی را کشت. از زمان آغاز به کار شورای عالی صلح و از زمان که گفتگو با گروه طالبان به عنوان یکی از اولویت های جدی دولت مطرح گردید، انتقادهای از خامی و بی فایده بودن این رویکردها مطرح شد. اما زمان که گروه طالبان به صداها و نداهای صلح طلبانه های حکومت توجه نکرد، فرمان دهان نظامی و چهره های سیاسی را یکی از پی دیگر ترور کرد تا این که نوبت به آقای ربانی رسید، انتقادها شدیدتر و جدی تر شد. باور اکثریت، غالب و مسلط بر این بود و است که چهره های رده بالای گروه طالبان به عنوان مهره های استخباراتی و اطلاعاتی امری که شخص رییس جمهور گرزوی هم که گاهی به

# فرایند مصالحه؛ قربانی ها و دستاوردها

عبدالرحمن فهیمی



منتقل نشده و با احترام به خانواده های شان تسلیم داده نمی شد. یکی از موارد، انتقال جنازه ی یک شهید نظامی در «تول بکس» موتر مسافری بود در حال که جنازه ی یکی از فرمان دهان گروه طالبان توسط «هلی کوپتر» منتقل شده و به خانواده اش تسلیم داده می شود. و صدها شهروند بی گناه در حمله های انتحاری گروه طالبان نابود شده و تکه تکه شدند، اما ارگ ریاست جمهوری حتی برای محکوم کردن آن حمله ها یک بیانیه ای هم صادر نکرد. بنابراین، اعمال محدودیت ها و قیودات نظامی برای سربازان اردوی ملی و پولیس ملی و سسکوت در برابر حمله های دشمن، برای به دست آوردن قلب دشمن بود. اما هر چه رهبری دولت سعی کرد با نرشم دل طالبان را به دست آورد، آن گروه گستاخ تر و جسور تر شد. از این رو، با جسارت و بسا برنامه حمله کردند و جنگ های بزرگ را راه انداختند. این ها قربانی های بی شماری هستند که مردهم کشور پرداخت کرده است. اگر رویکردها و سیاست های نرم دولت در برابر آن گروه نمی بود و محدودیت ها و قیودات سختگیرانه وضع نمی گردید، دشمن به این پیغامه رشد نمی کرد. بهر صورت امیدواری وجود دارد که خون قربانی ها هدر نرود.

مردمان عادی همه و همه قربانی شده اند. آقای ربانی به عنوان رییس شورای عالی صلح خود به عنوان یکی از سیاستمداران بانفوذ و با سابقه قربانی شد. او که سال ها مبارزه و مقاومت در برابر گروه طالبان را در کارنامه ی خود داشت، با خوش بینی سیاسی با آقای حامد کرزی همراه شد و در نتیجه در حال که به زعم خودش مهمان سیاسی مهم را پذیرایی می کرد، قاصد شعاک رییس شورای ولایتی بامیان و از چهره های فعال جهادی، سیاسی و مدنی توسط گروه طالبان در دره ی غوربند ولایت پروان اسیر شد و به گونه ای قبیح و بی رحمانه کشته شد. جنرال داود داود از فرمان دهان جهادی و از فرمان دهان پولیس در نظام کنونی، به گونه ای قبیح در داخل ولایت تخار کشته شد. و صدها هزاران شهروند نظامی و بی گناه ملکی کشور که در حمله های مسلحانه و انتحاری گروه طالبان سربه نیست شدند. سربازان اردو و پولیس در حال هدف گلوله های دشمن قرار گرفته و کشته می شدند، که رهبری دولت قیودات و محدودیت های جدی را برای شان وضع کرده و به گونه ای می شود گفت دست های شان را بسته کرده بود. زمان که کشته می شدند، جنازه های شان با افتخار

آن نقطه اشاره می کند، و افراد رده پایین آن گروه به عنوان نیروهای ایندولوژیک تربیت شده در فضا و دنیای دیگر، هرگز تن به گفتگو و مذاکره نخواهند داد. آن ها صلح، ثبات و امنیت کشور را در نبود نظام سیاسی جدید و مستقر و برپایی امارت طالبانی خود می بینند. اما علی رغم این انتقادهای حکومت قبلی و کنونی رویکردها گفتگو را ادامه داده است. روند یا فرایند گفتگو، سیاسی، قربانی های بی شمار و کمزرسکن داشته است و اگر با نگاه وسیع و بساز بنگریم ممکن است دستاوردهای نیز داشته باشد. ۱. دستاوردها به نظر این نگارش، رویکرد گفتگو و مذاکره ای حکومت، دست کم دو دستاورد داشته است. ۱-۱. لزوم بی گیری گفتگو با طالبان در آغاز به کار شورای عالی صلح و زمان که این میبخت به تازگی مطرح می شد، باور اکثریت قریب به اتفاق شهروندان کشور این بود که گفتگو و مذاکره و در نهایت صلح در کار نیست. باید با گروه طالبان و همه ی دسته های نظامی که در برابر کشور و دولت مسلح بر شانه گرفته اند، رزمید و نگذاشت که به اهداف شان نایل آیند. اما پس از گذشت شش سال و بحث های موافق و مخالف که مطرح شده است، اکنون این باور در همه ی سطوح و لایه های جامعه نهادینه شده است که جهت تأمین امنیت، ثبات و صلح دایمی، یکی از گزینه های پیشنهادی گفتگو و مذاکره می باشد. یعنی اگر جبهه های نبرد در برابر گروه طالبان تقویت شده و تلاش می شود آن ها در هر جایی که هستند، سرکوب شوند، در همین حال دروازه های گفتگو باز بوده و دولت خود تلاش های جدی را داشته باشد. بنابراین، به نظر می رسد که این مهمترین دستاورد برای حکومت خواهد بود. ۱-۲. شکاف در درون گروه طالبان به نظر می رسد که با فشاری و تاکید دولت کابل بر گفتگو و مذاکره با گروه طالبان و لزوم گفتگوی سیاسی با آن ها به منظور تأمین امنیت و جلوگیری از تخریب هر چه بیشتر کشور، شکاف های

روز گذشته بهمناسبت کشته شدن برهان الدین ربانی رییس شورای عالی صلح رخصتی عمومی اعلام شده و مراسم نیز در خیسه لویه جرگه برگزار گردیده بود. چهارسال قبل، مرد انتحاری خودش را به عنوان فرد مهم گروه طالبان جا زد و آقای ربانی را کشت. از زمان آغاز به کار شورای عالی صلح و از زمان که گفتگو با گروه طالبان به عنوان یکی از اولویت های جدی دولت مطرح گردید، انتقادهای از خامی و بی فایده بودن این رویکردها مطرح شد. اما زمان که گروه طالبان به صداها و نداهای صلح طلبانه های حکومت توجه نکرد، فرمان دهان نظامی و چهره های سیاسی را یکی از پی دیگر ترور کرد تا این که نوبت به آقای ربانی رسید، انتقادها شدیدتر و جدی تر شد. باور اکثریت، غالب و مسلط بر این بود و است که چهره های رده بالای گروه طالبان به عنوان مهره های استخباراتی و اطلاعاتی امری که شخص رییس جمهور گرزوی هم که گاهی به

روز گذشته بهمناسبت کشته شدن برهان الدین ربانی رییس شورای عالی صلح رخصتی عمومی اعلام شده و مراسم نیز در خیسه لویه جرگه برگزار گردیده بود. چهارسال قبل، مرد انتحاری خودش را به عنوان فرد مهم گروه طالبان جا زد و آقای ربانی را کشت. از زمان آغاز به کار شورای عالی صلح و از زمان که گفتگو با گروه طالبان به عنوان یکی از اولویت های جدی دولت مطرح گردید، انتقادهای از خامی و بی فایده بودن این رویکردها مطرح شد. اما زمان که گروه طالبان به صداها و نداهای صلح طلبانه های حکومت توجه نکرد، فرمان دهان نظامی و چهره های سیاسی را یکی از پی دیگر ترور کرد تا این که نوبت به آقای ربانی رسید، انتقادها شدیدتر و جدی تر شد. باور اکثریت، غالب و مسلط بر این بود و است که چهره های رده بالای گروه طالبان به عنوان مهره های استخباراتی و اطلاعاتی امری که شخص رییس جمهور گرزوی هم که گاهی به

روز گذشته بهمناسبت کشته شدن برهان الدین ربانی رییس شورای عالی صلح رخصتی عمومی اعلام شده و مراسم نیز در خیسه لویه جرگه برگزار گردیده بود. چهارسال قبل، مرد انتحاری خودش را به عنوان فرد مهم گروه طالبان جا زد و آقای ربانی را کشت. از زمان آغاز به کار شورای عالی صلح و از زمان که گفتگو با گروه طالبان به عنوان یکی از اولویت های جدی دولت مطرح گردید، انتقادهای از خامی و بی فایده بودن این رویکردها مطرح شد. اما زمان که گروه طالبان به صداها و نداهای صلح طلبانه های حکومت توجه نکرد، فرمان دهان نظامی و چهره های سیاسی را یکی از پی دیگر ترور کرد تا این که نوبت به آقای ربانی رسید، انتقادها شدیدتر و جدی تر شد. باور اکثریت، غالب و مسلط بر این بود و است که چهره های رده بالای گروه طالبان به عنوان مهره های استخباراتی و اطلاعاتی امری که شخص رییس جمهور گرزوی هم که گاهی به



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دردی و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: مهدی صالحی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

